



## صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

### تکنولوژی انسان را اسیر کرده است

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،  
 أعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.  
 الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولين والآخرين،  
 مدد یا رسول الله، مدد یا ساداتی أصحاب رسول الله، مدد یا مشایخنا،  
 مدد یا ابو ایوب انصاری  
 شیخ عبدالله الفانز الداغستانی، شیخ محمد ناظم الحقانی، دستور.  
 طریقتنا الصلبة والخیر فی الجمعیة.

مولانا شیخ سلام می فرستد. او گفت که برای هر کسی که درباره او سوال می کند، سلام برسانم. (ما) از آنجا برگردیم. خدا را شکر خوب بود. ماشاءالله، ملت (از ما ها) خوبتر می دانند و هر روز ها مولانا شیخ را پیروی می کنند. آن یکی روز، یک کانال تلویزیونی اینجا آمد و با او گزارش (رپرتاژ) کرد. این آدم خیلی صحبت کرد و در پایان درباره تکنولوژی صحبت کرد. مولانا شیخ گفت، "تکنولوژی باعث نابودی ما شد (زندگی ما را بدبخت کرد)".

این احمق ظاهراً زیاد می داند و فکر می کند مولانا شیخ بسیار پیر است و می گوید، "تکنولوژی کارهای ما را بسیار ساده تر کرد. شما صبح از خواب بیدار می شوید و کارها را انجام می دهید. هر چیز آسان تر شد." شخص در بالاترین درجه چیزی زیبا در مورد معنای واقعی زندگی می گوید - آنها آن را فلسفه زندگی می نامند - و آدم آن یکی طرف اهل دنیا است، هیچ چیز را درک نمی کند. او اسلاً هیچ چیزی نمی داند (بیدار نیست) در مورد چگونه تکنولوژی زندگی را نابود کرد و چگونه معنی زندگی را از بین برد. او می گوید: "این خیلی چیزها را ساده تر کرد."

شکر به الله مولانا شیخ را دیدیم و این مسئله دیگر است، اما مولانا شیخ می گوید: "تکنولوژی زندگی (وجود) مردم را نابود کرد و آن را وحشتناک کرد." در حقیقت اینطوری است. "امنا وصدقنا" (اعتقاد داریم و تایید می کنیم). این صد درصد است. مردم از آن آگاه نیستند. این مرد ظاهراً باهوش می گوید: "این کار ما را بسیار ساده تر کرد." چگونه آن را آسان تر کرد؟

در گذشته، وقتی که تکنولوژی وجود نداشت، دهاتی دو ماه طول می کشید زمین را بذر (دانه) بکشد. با شن کش خاک و سنگ را کار کردند، بذر را گسترش دهند، کود را گذاشتند. این نیز به دو ماه نیاز دارد. او بلند می شود برای گیاهان را بریدن برای علف و خرمن کوبی. این نیز به دو ماه نیاز داشت. آدم چهار ماه با دستان خودش کار می کرد. در حالی که کار می کند، او برای تلویزیون، برای قهوه خانه، و برای هیچ فکری دیگر وقت نداشت. او تنها می می توانست این کار را انجام دهد، و در روستای خودش می نشست و زندگی خود را به دست می آورد با آنچه که آنجا انجام داد. هیچ چیز دیگری برای فکر کردند نخواهد بود.





## صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

"بچه ها در اروپا می گویند "هیچ کس در روستاها نمانده است." چرا؟ زیرا یک تراکتور روزانه یک صد و یا دو صد هکتار زمین را کار و کشت می کند. اگر یک مرد یک هزار هکتار زمین داشته باشد، در پنج روز کار را تمام خواهد کرد. بگذارید بگویم او از آن غنی (ثروتمند) تر است. این بار او دو تراکتور می آورد. باز هم به همان شیوه، کار حداقل در پنج روز یا یک هفته تمام می شود. آنها حتی گفتند: "اجازه بدهید دیگر تراکتور را رانندگی نکنیم، می توان آن را از راه دور هدایت (کنترل) کنیم." بنابراین هیچ مردی وجود ندارد. در آمریکا آنها یک ماشین را نشان دادند که دوباره برداشت می کرد. این سبزیجات را برداشت می کرد. احتمالاً نخود فرنگی بود. یک ماشین مثل یک کشتی - از اینجا تا انتهای خیابان. کی آن را رانندگی می کند؟ یک خانم ۹۰ ساله. شما فکر می کنید او یک بیگانه بود. چنین چیزی در آنجا رانندگی کرد. پس چه اتفاقی خواهد افتاد؟ خوب، تمام شده است. کار در یک روز انجام می دهد. او می گوید: "بیا، بگذارید کاری دیگری انجام بدهیم." در آن زمان دیگر هیچ کاری ندارد و به شهرها می آید.

انسان های بی کار، تفریح های دیگر در شهر دارند. همانطور که گفتیم، لوکس به پایان ندارد. هر چه بیشتر به نفس تان بدهید، نفس هرگز سیر نمی شود و بیشتر می خواهد. در آنجا، آنها با یک تلفن بیرون می آیند. شش ماه بعد آنها کمی تعداد شماره ها را بر روی همان تلفن افزایش می دهند و همه می دون که این را به دست بیاورند. این طوری است. این بچه ها می دانند که چه کار می کنند. این همان معنای است که می گویم مشکل تکنولوژی است. و مولانا شیخ اصلی موضوع را بیان کرد.

مولانا شیخ گفت، "اگر (به ما) این کشور را بدهند، ما این را در ۴۰ روز به نجات می رساندیم." البته اینطور است. با خوست الله اگر مولانا شیخ بخواهد به نجات میرسد. هیچ شکی وجود ندارد. نفس ها مثل اژدها هستند، مثل هیولا ها هستند. انشاءالله آنها این کار را انجام نمی دهند، اما این دنیا به سمت راه درست نمی رود. آیا مسلمان یا شخص دیگری به قدرت می رسد، دوباره نتیجه یکسان است. این همان در نهایت است. باز هم، آنها توسط این لوکس (حیله های شیطان) فریب خورده اند. آنها، یک جور با نفس شان ساز کار می شوند.

این فقط می تواند درست شود زمانی که مهدی علیه سلام برسد. در اینجا، نفس مردم: حتی اگر مهدی علیه سلام بی آید و معجزات و کرامت ها ظاهر شوند، کافر افزایش خواهد یافت و مردم در پایان دوره عیسی علیه سلام دوباره گمراه خواهند شد. آنها پس از دیدن چه چیزهایی در عرض چهل سال این طوری زندگی خواهند کرد. نفس انسان ها بسیار کافر است. در طول دو دقیقه فراموش می کند کرامت که دیده است، هر چی که ممکن است که دیده شود. مردم خوبی ها را فراموش می کنند و بدی ها را به یاد می آورند. (شما) می توانید در ۴۰ سال کار کنید و در نهایت چیزی اتفاق می افتد. بنابراین، حتی اگر آنچه که گفتید این مهنا را نداشت، مردم بقیه را فراموش می کنند و از اشتباه صحبت می کنند. نفس چنین چیزی است. در اینجا، به همین دلیل است که تربیت (آموزش) نفس در طریقت وجود دارد.

شما باید بگوید آره بدون فکر کردن به آنچه که مولانا شیخ نشان می دهد، هر چه او اشاره میکند. زیرا مولانا شیخ یک مرشد (راهنما) است، آنچه او می داند (ما) نمی دانیم. امتحانات زیادی نیز وجود





## صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

دارند. گاهی اوقات می بینید که او یک شخص را تخصیص می دهد، و آن آدم به این نتیجه نمی رسد که انسان ها فکر می کنند. حکمت پشت این چیست؟ حکمت این است که برای آن انسان نیز یک امتحان است. اگر او با اخلاق خوب ادامه دهد و بدون ساز کاری با نفس خودش، او به مرتب های بسیار بالاتر میرسد. او همچنین در نذر انسان ها بسیار بالاتر خواهد بود، و اول برای خودش فایده خواهد برد.

وقتی که مولانا شیخ او را اولین بار تخصیص کرد، هنوز مداد (کمک) و همت (حمایت منوی) خودش را به آن انسان داده بود. آنجا، یک امتحان وجود دارد. برخی نمی توانند این را کنترل کنند و فکر می کنند که از خودشان است. در حالی که لازم است خودپرستی اینجا وجود نداشته باشد. هر چیز با همت و مداد شیخ اتفاق می افتد. فرد در این امتحان شکست می خورد و پس از این باز بی دفاع می ماند. یا او مردم اطراف این شخص را آزمایش می کند که آیا آنها این شخص را پیروی می کنند (یا نه).

مولانا شیخ کسی را تخصیص می دهد و این مساله دیگری است. (شما) نمی توانید در کار های مرشد دخالت کنید. با این حال، همانطور که گفتیم، این یک امتحان است. (شما) نمی توانید با اولیاء (حضرت ها) بازی کنید. مولانا شیخ اکثر زمان خیلی رحمت است، اما زیر دستش، در خدمتش، "رجال الغیب" (مردان غیب)، اولیاء های که از او نافرمانی نمی کنند. اگر آنچه او بگوید انجام بدهید، خوب است. هنگامی که این کار انجام نمی شود، چه از قصد یا با قصد دیگر، قطعاً حساب می شود. این نیز در این دنیا قبل از آخرت مورد سوال می شود، چونکه این چیز ها بازی نیستند.

حدیث شریف می گوید: "یک وسیله ای بودن برای هدایت (راهنمای) یک انسان خیر تر از تمام دنیا است". کارهای خوب در راز انجام می شوند. چرا آنها را در راز انجام می دهند؟ براینکه خودپرستی وجود نداشته باشد. در آیه مقدس توضیح می دهد: "(شما) می توانید این را به صورت آشکار انجام دهید، اما خیر تر است که این را مخفیانه (محرمانه) انجام دهید." با این حال، گاهی اوقات بهتر است این را به صورت آشکارا انجام بدهید براینکه به عنوان یک نمونه برای دیگران تبدیل شود. در برخی کشورها، زمانی که همه مسلمان هستند، بیشتر ریا می شود. به همین دلیل است که برای او بهتر است این را در راز بدهد یا کارهای خوب را در راز انجام دهد.

طریقت مان اول ادب (رفتارهای خوب) را نشان (آموزش) می دهد. "کاملاً ادب، کاملاً ادب." فروتنی بسیار مهم است. لذت بخش نیست چیزی را بدهیم در حالی که از آن داریم لاف (خودنمایی) می کنیم. آن را لازم است با ادب انجام بدهید. ادب و مهربانی (بخشش) ویژگی هایی محبوب ترین برای الله هستند. بزرگترین نمونه این شیخ ماست. هیچ کس ادب او را ندارد. مولانا شیخ همه ویژگی های زیبایی را دارد، همه ویژگی هایی که در اسلام و در بشریت وجود دارند. و چرا اینطور است؟ چونکه او "الوارث المحمدي" (جانشین محمد) است. او در قرن حاضر الوارث المحمدي است. همانطور که او حقیقت استاد ما را (ﷺ) تصرف کرد، او نیز دارد صد درصد سنت او را (ﷺ) انجام می دهد.

وقتی حضرت پیامبر مان (ﷺ) در یک جمعآوری بود و کسی را دوست نداشت، یا او یک کلمه بد می شنید یا چیزی را که او دوست نداشت. او بلند نمی شود و فریاد می زد. چنین چیزی وجود نداشت.





## صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

مثلاً: "چه می گویی؟! هیچ رفتاری بی رحمانه و غیره وجود نداشت. چگونه آنها میتوانستند بدانند؟ او سرش رو برگردون، او صحبت نمی کرد و یا این جمعآوری را ترک خواهد کرد. مولانا شیخ همین طوری، شکل او، صد درصد ادب است.

(ما) باید از مولانا شیخ خیلی یاد بگیریم. تکنولوژی در حقیقت خیلی بد است، اما اگر همه چیزها را با هم به آنها بسپاریم، آن دفعه همه چیزها ورشکست می شوند. اکنون (ما) میتوانیم صحبت های مولانا شیخ را جمع آوری کنیم، قدیم و جدید، هر چیزی که وجود داشته باشد، و شکر به الله همه آن ها را نگاه کردند. این نیز نعمتی است. از آن به بعد ما باید مدیریت کنیم تا زمانی که مهدی علیه سلام ظهور شود. همانطور که مولانا شیخ می گوید، انسان ها زندانی شده اند و نمی توانند نیز بدون آن انجام بدهند. در حال حاضر همه چیز به آن وابسته است.

اگر تکنولوژی اکنون بدون معجزه های و کرامت های مهدی علیه سلام از بین برود، نفس (نیمی) از دنیا از بین می رود. مردم چنین به این تکنولوژی (و به چه چیزی نه) وابسته هستند. به عنوان مثال، در این کشور های گرم، اگر برق را قات کنند، نفس (نیمی) از مردم در دو روز می میرند. آب یا تصفیه آب وجود نخواهد داشت. هیچ چیز نخواهد باقی ماند. بیشتر از نفس (نیمی) از این دنیا به دلیل این موضوع از بین می رفتند. بنابراین، آنها زندانی از اینها شده اند. انشاءالله مهدی علیه سلام به زودی برسد بر اینکه همه از این چیز، نفس مان، بیرون بیایم (نجات شویم). این نیز نوعی نفس است. این نشان می دهد که تفکر مولانا شیخ در مورد دنیا صد درصد صحیح است.

آدم می گوید، "این زندگی ما را ساده تر کرد." ساده تر نشد بلکه شما را برده کرد. اگر این تکنولوژی وجود نداشت، یک خانواده می تواند با صد لیره در ماه زندگی کند. حالا، یک هزار لیره برای یک خانواده کافی نیست. هزار لیره کافی نیست تا زمانی که تکنولوژی وجود داشته باشد. اگر آنها بدون این در روستا یا شهرشان بودند، می توانستند به راحتی با صد لیره به آخر ماه برسند و الله به آنها رزق و روز شان را می رساند. فرزندان آدم قطعاً کار خواهد کرد و کار های در طول روز انجام خواهد داد. برای چی؟ مردم اکنون تکنولوژی را پرستش می کنند. آنها دنبال این (تکنولوژی) می دواند. همانطور که گفتیم، آنها از فرزند آدم یک برده کامل کردند. بنابراین جایی برای فرار وجود ندارد. الله مهدی علیه سلام را در اسرع زمان بی آورد. انشاءالله (ما) به تعرفه او می رویم و با شیخ مان به او میرسیم.

و من الله التوفیق.  
الفتاحه

حضرت شیخ محمد محمت ربّانی  
۱۰ رجب ۱۴۳۴، درگاه ایوب سلطان